

فرهنگ مصرف

مصرف فرهنگ

دکتر رضا امین



ترجمه و تاثیرپذیری زبان و ادبیات

حفظ ارزش‌های زبان یک ملت مهم‌ترین عامل در حفظ هویت و اصالت‌های فرهنگی آن ملت است. تردیدی نیست که زبان به عنوان یک ماهیت پویا و بالنده دائماً در حال باز ساخته شدن است. تغییر شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دائماً تغییراتی را در زبان به وجود می‌آورد و هر تغییری در زیرساخت‌های اجتماعی واژگان جدید و تعریف و تعبیرهای تازه‌ای را وارد ساختار زبان می‌کند. از سوی دیگر تعامل بین ملت‌ها در قالب‌های اقتصادی و غیر از آن سبب ورود واژگان تازه و ایجاد تغییراتی در زبان یک ملت می‌شود که پذیرش و کاربری این واژه‌ها تا حدی که نیاز ايجاب می‌کند ظاهراً بلامانع می‌نماید.

تکنولوژی‌های جدید یا کالاهای مختلفی که وارد یک کشور می‌شود معمولاً نام‌ها و اصطلاحات مربوط به خود را نیز وارد زبان آن کشور می‌سازند و اگر تعداد واژگانی را که طی چند سال اخیر و با ورود رایانه به ایران وارد زبان فارسی شده و مورد استفاده قرار گرفته مورد بررسی قرار دهیم متوجه می‌شویم که تعاملات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بین کشورها تا چه حد می‌تواند زبان را تحت تاثیر قرار دهد. بدیهی است که یکی از مهم‌ترین وظایف متولیان فرهنگی یک جامعه جایگزینی‌یابی برای واژگان وارداتی و مصون داشتن زبان از تهاجم بیرونی است زیرا در غیر این صورت زبان ملی به مرور تغییر یافته و تبدیل به زبان شبه بین‌المللی می‌شود و تفاوت‌های موجود بین چینی زبانی با زبان بومی سبب خواهد شد که فاصله هر نسل با زبان و ادبیات خودی بیشتر شود و در چنین حالتی تعجب آور نیست که مثلاً خواندن و درک اشعار حافظ کم کم برای نسل جوان به یک کار دشوار تبدیل شود. البته این حرف به معنای آن

نیست که برای هر واژه جدید و به ویژه واژه‌های تکنولوژیک معادل‌یابی کنیم که بعضی این معادل‌ها گاهی شکل‌های مضحک به خود می‌گیرند بلکه بحث بر سر اثر بخشی هر یک از واژه‌های بیگانه در ساختار کلی زبان است.

جدا از تاثیرپذیری ناگزیر زبان به دلیل تغییرات و تعاملات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی که بیشتر از طریق ورود یا ابداع واژگان جدید انجام می‌شود ترجمه متون ادبی نیز می‌تواند به شکل عمیق‌تر زبان را تحت تاثیر قرار دهد چرا که تاثیرگذاری ترجمه فراتر از سطح تک واژگانی است و بیشتر شامل تغییر شکل عبارات و ترکیبات زبان است و همین مسئله می‌تواند در صورت ناآگاهی مترجمان بافت اصلی زبان را مورد تهدید و تخریب قرار دهد و حتی ادبیات را نیز دچار نوعی اعوجاج ناشی از عدم شناخت ترکیب‌های درست زبانی سازد.

تقلید از زبان ترجمه

نگاهی به اشعار برخی از شاعران جوان به خوبی نشان می‌دهد که آن چه که آن‌ها به عنوان شعر از آن نام می‌برند بیش از آن که بر پایه ظرفیت‌ها و ظرافت‌های زبان فارسی شکل گرفته باشد تحت تاثیر اشعار ترجمه شده قرار دارد و در واقع الگوی آن‌ها در ترکیب بندی واژگان و سرایش شعر، زبان ترجمه است و متأسفانه این الگو نیز در بسیاری از موارد به دلیل ناآشنایی مترجمان با زبان مبدا و عدم تسلط آن‌ها به زبان مقصد یا زبان فارسی از ضعف‌های زیادی رنج می‌برد و تقلید از آن در واقع شدت دادن این اعوجاج در زبان و ادبیات فارسی است.

نقش ترجمه در کاهش سطح مطالعه

متأسفانه شمار علاقه‌مندان به مطالعه در ایران بسیار

اندک است و تیراژهای پایین کتاب‌ها به ویژه کتاب‌های شعر و مجموعه داستان‌ها نشان دهنده شرایط متاثر کننده‌ای است که لزوماً باید برای تغییر آن برنامه ریزی شود. اما همین علاقه‌مندان اندک نیز هنگامی که به سراغ آثار ترجمه شده می‌روند در اکثر موارد با متن‌هایی مواجه شوند که علیرغم «فارسی» بودن آن معمولاً به راحتی قابل درک نیست و خواننده ناچار برای درک مفهوم مطالب باید یک عبارت یا پاراگراف را چند باره خوانی کند. ضمن این که ساختار بندی عبارات و جمله‌ها به شکل آزاردهنده‌ای رغبت ادامه مطالعه را از خواننده سلب می‌کند و متأسفانه با وجود این تاثیر بازدارنده و اثرات مخرب دیگر ترجمه آثار ادبی آن گونه که باید مورد توجه قرار نگرفته و متولیان رسمی فرهنگ و ادبیات که عمده‌ترین نگرانی‌شان مصون داشتن ارزش‌های فرهنگی ایران از تهاجم فرهنگی است کم‌تر به این مقوله توجه نشان می‌دهند که ترجمه‌های غلط و ضعیف که سیل آسا وارد بازار نشر می‌شود آسیب‌هایی به مراتب شدیدتر از آن چه که تهاجم فرهنگی نامیده شده و متوجه زبان و ادبیات فارسی می‌سازد و مصرف کنندگان این آثار بدون هیچ سد دفاعی، گرفتار آموزه‌های غلط زبانی می‌شوند و از آن جا که کتاب برای خواننده مرجعی برای آشنایی بیشتر با زبان است این آثار، را به عنوان الگو مورد توجه قرار می‌دهد و از این طریق، زبان فارسی و ظرافت‌ها و ظرفیت‌های آن مورد تهدید و تخریب قرار می‌گیرد. این واقعیت که صدور مجوز انتشار برای آثار ترجمه شده بدون توجه به درست یا غلط بودن متن ترجمه شده و میزان آشنایی مترجم با زبان مبدا و حد تسلط او بر زبان مقصد انجام می‌شود، باعث شده است که مصرف کننده تولیدات فرهنگی ترجمه شده به غیر از معیارهایی که شخصاً می‌تواند برای گزینش آثار

مترجمان ناآگاه از طریق ترجمه‌های سطحی بیشترین ضربه را به زبان و ادبیات فارسی می‌زنند.

تأمین منافع و حمایت از ذوق و اندیشه او نیست و شاید زمانی که خواننده آثار ترجمه شده بامترجمان خوب و معیارهای شناخت یک ترجمه درست آشنا باشد و تفاوت مترجمان قلابی را از مترجمان واقعی بازشناسد، این امیدواری به وجود بیاید که گامی در جهت ارزش‌شناسی ترجمه برداشته شده است.

عصر ترجمه و پیامدهای آن

تا چندی پیش به همت همین ماهنامه جلساتی برای ارزش‌شناسی ترجمه و آسیب‌شناسی آن در مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی و پس از آن در سالن تعاونی مطبوعات برگزار می‌شد که طی آن ترجمه‌های انجام شده از آثار ارزشمند ادبی مورد بررسی قرار می‌گرفت و نقاط ضعف و قدرت آن بازشناسی می‌شد. چنین حرکتی اگر چه در جهت ارزش‌شناسی ترجمه کافی به نظر نمی‌رسید اما دست کم تشکیل این جلسات ماهیانه که با حضور جمعی از مترجمان صاحب نام و ارزشمند برگزار می‌شد، می‌توانست زمینه‌ای برای درک مشکلاتی باشد که در عرصه ترجمه با آن مواجه هستیم و در نهایت شاید شرایطی به وجود می‌آمد که پرداختن به کار ترجمه از نظر بعضی آسان‌ترین کار نباشد و زبان و ادبیات فارسی چنین بی‌دفاع در معرض هجوم و آسیب قرار نگیرد. اما متأسفانه به رغم استقبال مترجمان صاحب نام و دانشجویان و علاقه‌مندان به کار ترجمه به دلایلی ظاهراً مادی که شاید انگیزه‌های دیگری در پشت آن بود اما به شکل زیاده‌طلبی مالی از سوی یک مرکز به اصطلاح مطبوعاتی خود را نشان داد و بابت دو ساعت استفاده از سالن مجموعه مبلغ گزافی را طلب می‌کردند، بروز کرد و ادامه این جلسات امکان‌پذیر نشد. اما... اهمیت نقش ترجمه در زبان و ادبیات فارسی و شناخت جایگاه مترجمان واقعی، قطعاً مهم‌تر از آن است که بتواند مانع عبور از چنین سنگلاخ‌هایی بشود و بنابراین ضمن این که اندیشه تشکیل دیگر بار جلسات عصر ترجمه هنوز زنده است، این انتظار نیز وجود دارد که متولیان امر فرهنگ و ادبیات و مترجمان و نویسندگان با دغدغه‌های بیشتر به تامل در بازار آشفته ترجمه بنشینند.

پی نامشان یدک می‌کشند و به صرف آشنایی مختصر با یک زبان خارجی و در اختیار داشتن یک دیکشنری این اجازه را به خودشان می‌دهند که به سراغ آثار ادبی خارجی بروند و به زعم خودشان آن‌ها را به فارسی برگردانند و مشخص است که چنین ترجمه‌هایی تا چه حد می‌تواند اسفناک و یا مضحک و خنده‌آور باشد.

اصولاً ترجمه ادبی یکی از دشوارترین شاخه‌های ترجمه است و کسی که می‌خواهد یک متن ادبی، داستان یا شعر و یا نمایش‌نامه را به فارسی برگرداند در مرحله نخست باید نسبت به زبان مبدا آشنایی کامل و دقیق داشته و با ظرایف آن زبان و اصطلاحات و ویژه‌گی‌های دیگر آن آشنا باشد و در مورد زبان مقصد نیز لزوماً باید دارای همین توانی بوده و علاوه بر آن از ذوق و استعداد ادبی لازم و کافی برخوردار باشد زیرا در غیر این صورت در بهترین شکل ممکن، ترجمه او، یک ترجمه سطحی، خشک و فاقد ارزش خواهد بود که به هیچ عنوان نمی‌تواند حال و هوای حاکم بر اصل اثر و احساس نویسنده یا شاعر را به خواننده منتقل کند اما متأسفانه با وجود همه این ضرورت‌ها بسیاری از آثار ترجمه شده در حد یک ترجمه تحت‌اللفظی است که در بهترین شکل می‌تواند روایتگر گنگ موضوع اثر ترجمه شده باشد و به هیچ وجه خواننده را با حال و هوای درونی اثر و ظرافت‌های نهفته در آن آشنا نمی‌کند. اما بدتر از این، کار کسانی است که بدون کمترین آشنایی با یک زبان خارجی وارد کار ترجمه می‌شوند. این جماعت با رونویسی کردن از آثار قبلاً ترجمه شده و تغییر جملات آن در واقع متن دیگری می‌نویسند و نام خود را به عنوان مترجم بر پیشانی آن قرار می‌دهند و به این ترتیب به آسانی و بدون هیچ مانع و رادعی پا به عرصه‌ای می‌گذارند که برای ورود به آن باید توانایی‌های بسیار داشت و اینان بدون هیچ رنج و مشقتی عنوان مترجم را یدک می‌کشند و از مواهبی که لابد خود می‌دانند چیست بهره‌مند می‌شوند.

چنین کاری بدون شک خیانتی است در حق مترجمان واقعی و دوختن کلاهی گشاد برای سر مخاطبان بدون آن که هیچ مقام و مسئولی خود را موظف به دفاع از حق مسلم مصرف‌کننده و مهم‌تر از آن حقوق مترجمین و زبان فارسی بداند.

این که چرا وادی ترجمه چنین بی‌دروپیکر است و چه کسانی چگونه باید به این آشفته بازار سروسامان بدهند بحثی مفصل می‌طلبد و کارشناسانه اما آن‌چه مسلم است در نخستین گام باید سعی کرد، مصرف‌کننده کالاهای فرهنگی را با این واقعیت آشنا کرد که جز خود او هیچ کس در این بازار آشفته به فکر

ترجمه شده داشته باشد از هیچ حمایتی برخوردار نباشد و تعجب آور است که وقتی برای تولید یک ماده غنایی ساده با مصرف عام لزوماً باید مراحل طی شود تا بی ضرر بودن آن در جهت حفظ منافع و سلامت جسمی مصرف‌کننده تضمین شود در مورد تولیدات فرهنگی، هیچ حساسیتی وجود ندارد البته در نگاه نخست آرایه یک ترجمه ضعیف و پرغلط از یک متن ادبی زبانی جز آن که ذوق و اندیشه مخاطب را تحت تاثیر نامطلوب قرار دهد تهدیدی جدی برای زبان فارسی و تولیدات فرهنگی است و در چنین شرایطی قابل و درک خواهد بود اگر نظارتی بر چگونگی ترجمه آثار خارجی وجود داشته باشد.

ترجمه‌های بدل

متأسفانه به جز معدودی از مترجمان صاحب نام که توانایی شان در ترجمه آثار ادبی طی سال‌های متمادی کار ترجمه به اثبات رسیده در بازار نشر کشور هر روز نام مترجم جدیدی به گوش و چشم می‌خورد مترجمانی که معمولاً آثارشان ضعیف و پر از اشتباهات زبانی است این ترجمه‌ها نه تنها نمی‌تواند به روح اصلی اثر و ویژه‌گی‌های زبانی آن نزدیک شود. بلکه به دلیل ناآشنایی مترجم با ظرافت‌های زبان فارسی، ترکیبی است که می‌توان آن را کاریکاتوری رنج‌آور! از زبان فارسی تلقی کرد.

یکی از دلایل رویکرد به ترجمه از سوی این گروه از مترجمان، آسانی کار ترجمه به زعم آنان است، که متأسفانه بعضاً عنوان دکتر و مهندس را هم در

ترجمه ادبی از
دشوارترین انواع ترجمه
است که جدا از آشنایی با
زبان مبدا نیازمند شناخت
ادبیات و ظرایف زبان
مقصد است. در حالی که
عده‌ای با حداقل آگاهی
نسبت به یک زبان خارجی
اقدام به ترجمه می‌کنند.